ProjehCenter

www.ProjehCenter.ir

@projehcenter

@projehcenter_ir

بسمه تعالی

MRTsoft

ProjehCenter.ir

فهرست مطالب

موضوع **صفحه**

آموزش و پرورش : ۱

نیروی انسانی آموزش و پرورش :..... ۶

معلم و آموزش و پرورش :..... ۹

نقش معلم در آموزش و پرورش : ۱۰

ویژگی‌های یک معلم : ۱۳

شخصیت و تعادل روانی معلم :..... ۱۷

فهرست منابع : ۱۹

ProjehCenter.ir

آموزش و پرورش :

از آموزش و پرورش تعاریف زیادی به عمل آمده است. عده ای آن را عمل بار آوردن کودک یا جوان می‌دانند که وسیله قرار می‌گیرد تا جمیع استعدادهای روانی و جسمانی تحت تعلیم گسترش یابد.

گروهی معتقدند آموزش و پرورش عملی است که به وسیلهٔ بزرگسالان روی خردسالان انجام می‌شود و به عبارت دیگر عملی است که نسل متقدم بر روی نسل متأخر انجام می‌دهد.

دسته‌ای آموزش و پرورش را کنش‌های تأثیراتی می‌دانند که در متعلم اعمال می‌شوند تا بدان وسیله در او شناخت‌ها، عادات، ارزش‌ها، روش زندگی و ... بوجود آمده و به او اجازه می دهد که از خود فعالیتهای نهادی را که شخصاً قادر به تحقق آنها نبوده است، بروز دهد.

بنابر تعاریف فوق می‌توان گفت که آموزش و پرورش عملی است به منظور تربیت و تکامل روان و جسم، احساسات و عواطف یک فرد، که یک جامعه یا یک گروه اجتماعی سعی دارد بوسیلهٔ آن قدرتی را که از طریق یادگیری‌هایش بدست آورد، جهت ادامهٔ حیات فردی و جمعی به اعضای جوان انتقال دهد. این چنین تربیتی لازم است تا موجب شود که فرد با استفاده بهتر از منابع موجود در یک جامعه و تفهیم ارزش‌های واقعی آن به سوی زندگی بهتر در آن جامعه جهت خود و دیگر افراد جامعه سوق داده شود. از این روست که

هدف تعلیمات رسمی در یک اجتماع باید ضمن شناخت و شکوفایی استعدادها به حقیقت آنچه که می‌تواند ایده‌آل باشد و آنچه که باید مورد استفاده قرار گیرد، بپردازد.

کوشش‌های تربیتی باید دارای هدفی چون فراهم نمودن تسهیلات ادامهٔ حیات فرد در ارتباط با جمع، متناسب با مکان و زمان، تفهیم مفاهیم ارزش‌ها، پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد.

مفهوم تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای با نظام اجتماعی آن ارتباط داشته و هدف تربیت در هر جامعه‌ای اختصاص به آن دارد. از این روست که در جوامع مختلف می‌تواند در مفهوم انتقال دانستنی‌ها، انتقال و تحلیل یادگیری‌ها، یک نیاز انسانی، وسیلهٔ حکومت حکام، وسیله منازعه برای تولید و بالاخره وسیلهٔ منازعهٔ طبقات اجتماعی محسوب گردد.

نهاد آموزش و پرورش، در هر معنا و مفهومی که بکار رود، می‌تواند وسیله لازمی باشد جهت پیشرفت هر تحول دریک جامعه و بخصوص تحولی که در شئون مختلف اجتماعی بکار رفته و سیاست زندگی جمعی را استحکام می‌بخشد.

از این روست که تعلیم و تربیت می‌تواند در قالب مفهوم یک نیاز و لازمه‌ی بقای هر جامعه‌ای قلمداد شود.

عده‌ای از مربیان وظیفهٔ تعلیم و تربیت را انتقال سرمایه تمدنی ذکر کرده‌اند که در اینجا باید این نکته مدنظر مربیان باشد که تنها انتقال این میراث موجب ترقی و توسعه آن نمی‌شود زیرا بسیاری از افکار نظریات، آداب و رسوم و عقایدی که سال‌ها در میان مردم یک جامعه نفوذ داشته و بوسیلهٔ نسل‌ها انتقال یافته‌اند و این افکار و نظریات به همان وضع

ProjehCenter.ir

سابق باقی مانده، بر اعمال مردم حکومت دارند. بنابراین وظیفهٔ تعلیم و تربیت در مقابل میراث فرهنگی یا سرمایهٔ تمدنی نه تنها انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر است بلکه کار مهم تعلیم و تربیت یا مربی کمک به افراد در ارزش سنجی این میراث و توسعهٔ آن‌هاست و شاید یکی از عوامل عقب ماندگی کشورهایی که در گذشته فرهنگ‌های غنی داشته‌اند همین امر بوده است که آنها فقط به انتقال میراث فرهنگی خود پرداخته‌اند و اقدامی برای ارزش سنجی و توسعه و پیشرفت آن میراث نکرده‌اند.

مدرسه مؤسسه‌ای از نهاد اجتماعی تعلیم و تربیت است که تربیت اعضای آیندهٔ اجتماع را به عهده می‌گیرد. لازمهٔ تحقیق امر آموزش و پرورش این است که عمدتاً ارتباطی بین انسانها بوجود آورد و اجتماع که خود معجونی از ارتباطات است، دراین راه اقدام می‌کند. روابط انسانی موجود در درون مدرسه، جانبخش ارتباط اجتماعی است. چون مدرسه در قالب ارتباطات عمدی که بوجود می‌آورد از طرق مختلف به فردی که در آینده قسمتی از مسئولیت‌های اجتماعی را به عهده خواهد گرفت، فهمیدن و تجزیه و تحلیل کردن را در کنار آموخته‌های خودکفایی جهت امرار معاش می‌آموزد. از این روست که مدرسه خود سیمایی است از اجتماع، در قالب اجتماعی کوچک برای کودکان و نوجوانان که کاملاً مشخص از سایر جوامع بشری است. بعلاوه برآورد آرمان‌های عالی آموزش و پرورش در رفع نیازهای اجتماعی را برنامه هایی منظم و قبلاً تدراک شده‌ای لازم است. نظام‌های تربیتی با اقدام براین عمل تحقق آن را در محلی به نام مدرسه یا آموزشگاه عملی می‌سازند.

ProjehCenter.ir

مدرسه جهت سازندگی اجتماعی کوشش می‌کند در برنامه‌ریزی‌های خود، خواسته‌های اجتماعی را در مورد توجه قرار دهد.

دراین مسیر با تصمیم یگانگی و یکسانی هدف بین دانش آموزان وحدت جامعه را تضمین می‌کند. جوامع متمدت امروزی با یادگیری‌های غیرمستقیم نمی‌توانند نیازهایشان را برآورده سازند، لذا وجود مدرسه الزامی شده و آن را رکنی از استمرار انسانهای اجتماعی قلمداد می‌کند. این اجتماع کوچک دانش آموختن را با ایجاد قدرت عمل اشاعه داده، حس اطاعت از قانون و مناطق را در فرد تقویت می‌نماید.

می توان اذعان نمود که اجتماعی بدون تعلیم و تربیت نمی‌تواند موجود باشد، چه آموزش و پرورش عامل اصلی و اساسی اجتماعی شدن هر فرد می‌باشد. کودک به محض ورود به مدرسه با دنیایی جدید روبرو می‌شود، او با یک رشته از مقررات لازم‌الاجرا مواجه شده و در مقابل فردی به نام معلم که مستقیماً به هدایتش پرداخته و به کمک سایر وسایل انتقال دانستنی‌ها و ایجاد انگیزش به آموختن در اجتماعی شدن کودک ایفای نقش می‌کند. این واقعیت در مدارس ابندایی بیشتر به چشم خورده و اجازه این اظهار نظر را می‌دهد که انگیزهٔ اجباری و رایگان کردن این دوره از تعلیمات پایه‌ای عمدی و قرارگرفتن آن از سرلوحهٔ برنامه‌های اجتماعی، همین امر است.

امروزه نقش مدرسه با هدف‌های گذشته آن که صرفاً جنبهٔ تعلیمات به ویژه در مسیر خواندن و نوشتن داشت، بکلی عوض شده است. بدین طریق که آموزشگاه امروزی وظیفه دارد، ضمن انتقال دانستنی‌های مربوط به خواندن و نوشتن در تربیت انسانی سازنده همت

ProjehCenter.ir

گماشته و به جمعیت تحت تعلیم خود بیاموزد که ضمن کشف وجود خود، با شناخت از زندگی جمعی در شناخت وجودی دیگران نیز موفق شود. بدین طریق درست استدلال کرده و قضاوت نماید، راه ارتباط با دیگران را بیاموزد، روشن ببیند و نیک بیندیشد و به طور کلی هدف نهایی خود را با انسانی ساختن محتوای تعلیمات در راه تربیت انسان دنبال کند. چون او اشاعه گر ایدئولوژی نهادی است که باید ضمن تبعیضات درک الویت‌ها و تفهیم دموکراسی با پرورش اذهان باز در تحکیم انسانیت در جوامع بشری اهتمام ورزد.

اجتماع از مدرسه به عنوان یک مؤسسه تربیتی متوقع است که ضمن ایجاد تربیت اجتماعی در دانش آموزان بتواند در پرورش افراد سازنده جهت رفع نیازهای اجتماعی نیز اهتمام ورزد. ولی باتوجه به برنامه‌ها و کیفیت محصول آن ضعف کفایت در ایفای نقش آن کاملاً مشهود می‌گردد و بدین طریق مدرسه پاسخگوی خواسته‌های اجتماعی با درصدی بالا نشده و غیرمستقیم با تربیت مستقیم اجتماعی شدن بهتر دانش آموزان را عاید نمی‌کند.

در بعضی از جوامع بخصوص در جوامع سرمایه داری بعلت وجود فواصل محدود، در میان طبقات اجتماعی مدرسه برای فرزندان متعلق به طبقات غیرمرفه که دارای کمبودهای زبان تفهیمی و فرهنگی که ناشی از نارسایی‌های اقتصادی است، نمی‌تواند به صورت یکسان اجراء شود. بدین جهت است که برنامه‌های تربیتی با برخورد با نارسایی‌ها، عدهٔ کثیری از تودهٔ اجتماعی را پس از سالها سرگرمی بدون اندوخته لازم وارد اجتماع می‌سازد.

به این ترتیب ضمن تضعیف سازندگی آنان جهت جامعه، مدرسه که باید گسترش دهنده دموکراسی باشد، پرپرکنندهٔ گل آن می‌شود چون اگر مدرسه کودک را در جوامع سرمایه داری، اندک توشه‌ای هم بدهد مستقیماً به خدمت سرمایه‌داران گسیل می‌دارد.

محکوم کردن مدرسه به طور اعم بدور از انصاف است چون اگر آموزش و پرورش یک نهاد اجتماعی است و نظام هر اجتماعی در هدف‌های ایدئولوژی آن دخالت دارد، بدین نحو آموزشگاه مؤسسه‌ای است که ایدئولوژی دولت را اشاعه می دهد. پس مدرسه موقعی برای اجتماع است که از طریق نظام هر اجتماعی نارسایی‌های اقتصادی و نابرابری‌های موقعیت‌ها تضعیف شده و مدرسه دستگاه ایجاد هدف‌های گروه خاصی نباشد. در آن صورت مدرسه از موازین دموکراسی اجتماعی برخوردار خواهد شد.

نیروی انسانی آموزش و پرورش :

یکی از عناصر عمدهٔ آموزش و پرورش نیروی انسانی لازم است. آموزش و پرورش رسمی که زیرنظر سازمان مستقلی اشاعه می‌یابد از انسان‌هایی به نام معلم در برآوردن این هدف کمک می‌گیرد. هرچند تدریس حرفه‌ای بیش نیست ولی می‌توانیم بدون توجه به مفهوم صرف تدریس در قالب انتقال دانستنی‌ها آن را یک هنر تلقی کنیم. دارا بودن دانشی وسیع نمی‌تواند ملاک اصلی برای اشغال مقام معلمی باشد. بلکه شرط عمده احراز مقام معلمی علاوه بر آمادگی فرد برای پذیرش دانستنی‌ها این است که از شرایطی خاص برخوردار باشد.

ProjehCenter.ir

برخورداری او از شرایطی خاص جهت ایجاد دگرگونی‌های لازم در رفتار شاگرد و تکمیل استناجات او از مفاهیم است. جهت برآوردن این هدف تربیتی لازم است در آمادگی این نیروی انسانی دقت نمود.

محتوی برنامه‌ی تربیت معلم با برخورداری از کیفیتی خاص می‌تواند معلم را در رسالتش یاری دهد. از آن جمله می‌توان گفت برنامه‌ی تربیت معلم باید :

ـ معلم را به تشریح و تفهیم مسائل مختلف قادر سازد.

ـ حس ایجاد گفت و شنود را در او تقویت کند.

ـ نحوۀ گوش دادن به شاگردان و حس دفاع از حقایق را با شناخت مسائل اجتماعی در او بیدار سازد.

ـ در امر آموزش و یادگیری و شناخت‌های لازم برای شاگرد به او مهارت بخشد.

ـ از اطلاعات کافی در مورد موادی که مسئول تدریس آن است او را بهره‌ور سازد.

ـ جهت شناخت قانون زندگی جمعی به او کمک نموده و در تبدیل محیط کلاس درس به جامعه کوچک او را آماده سازد.

ـ در ایجاد احساس مسئولیت به او کمک نموده و او را در مقابل شاگردان مسئول سازد.

ـ نحوۀ تکامل و گسترش کیفیت‌های روانی را برای او روشن سازد.

ـ برای توسعه‌ی شناخت‌های فردی هماهنگ با نیروی فرهنگی و اخلاقی او را قادر سازد.

ـ بطور کلی از مجموع برنامه‌های تربیت معلم آزاد منشی و قضاوت صحیح ایجاد شود.

ProjehCenter.ir

براساس نکات فوق برنامه‌ی تربیت معلم با نقشی که باتوجه به محتوای برنامه و کیفیت تعلیمانی که به آن واگذار می‌شود، ارتباط دارد. ولی تنظیم و ترتیب برنامه‌های کامل برای تربیت معلم، نمی‌تواند امیدوار سازد که مربیان بهتری تربیت خواهند شد. زیرا قبل از تنظیم برنامه‌های تربیت معلم لازم است خواسته‌ها و استعدادهای داوطلبان که همه در ایجاد علاقهٔ شغلی آنها مؤثر است، مورد توجه قرار گیرد. بدین معنی که در گرایش‌های شغلی داوطلبان حرفهٔ معلمی، اشکالات روانی و اجتماعی آنها سنجیده می‌شود. امروزه، حرفه‌ای که نتواند گذران زندگی را بهتر تأمین کند، از مقام اجتماعی پست‌تری برخوردار است و در ضمن ناراحتی‌های روانی برای فرد بوجود خواهد آورد. پس قبل از اینکه داوطلبان شغل معلمی برای تربیت انتخاب شوند، نخست راهنمایی شغلی برای حرفه معلمی می‌بایست بوجود آید. و سپس علاقه و انگیزش‌های شغلی داوطلبان از نظر عشق به تربیت و یاددادن سنجیده شود.

درحال حاضر معلم به علت دریافت‌های خود به عنوان حقوق در مقام مقایسه با سایر مشاغل نمی‌تواند هزینه‌های زندگی خود را کاملاً تأمین کند، از این رو اکثراً داوطلبان با کیفیت به خصوص پس از تحصیلات متوسطه به مسیرهای تحصیلی پر درآمد روی آورده‌اند.

ProjehCenter.ir

معلم و آموزش و پرورش :

معلم و دانش آموز دورکن مهم و اساسی آموزش و پرورش هستند. معلم برای موفقیت در کار خود نه تنها باید تلاش کند تا دانش آموزان خود را بهتر بشناسد و به نیازهای آنان پی ببرد، بلکه باید خود را نیز بشناسد و از نیازها و آرزوهای خود آگاه باشد و ضمن پیدا کردن نقاط ضعف خود در صدد رفع و بهبود آنها برآید.

گاهی دیده می‌شود، که پس از دریافت مدرک تحصیلی و پایان دورهٔ کارآموزی معلمان رابطه‌ی خود را با کتاب و مطالعه قطع می‌کنند و همان معلومات قبلی خویش را به دانش آموزان انتقال می‌دهند، با این تصور که به هدف خود رسیده‌اند. غافل از اینکه آغاز به تدریس برای آنها باید آغاز یادگیری باشد و پیوسته خود را به فراگیری مطالب تازه ملزم سازند. معلم باید همیشه از خود و کاری که می‌کند ارزشیابی به عمل آورد. بدین منظور رابطه‌اش باید با سایر معلمان، دانش آموزان و اولیای آنها و اجتماع برقرار باشد تا به نیازهای آنها پی ببرد، هدف‌های آموزشی را با در نظر گرفتن این نیازها دنبال کند و در صورت عدم رضایت از نتایج کارخود درصدد تغییر و اصلاح نواقص برآید. معلم باید همیشه این پرسش برایش مطرح باشد که چه می‌کند؟ چرا چنین می‌کند؟ چگونه می‌تواند بهتر به هدف برسد و آیا در کارش موفق است یا خیر؟

ProjehCenter.ir

نقش معلم در آموزش و پرورش :

نقش معلم در آموزش و پرورش با نقش او در گذشته متفاوت است و این تفاوت به خاطر آن است که هدف‌های آموزشی امروز با گذشته تفاوت دارد.

در حال حاضر هدف آموزش تنها از برکردن مطالب و بازگو کردن آنها نیست، بلکه تمام جنبه های شخصیت دانش آموز مورد نظر است. به عنوان مثال وقتی صحبت از رشد دانش آموز می‌شود فقط رشد یکی از جنبه‌های شخصیتی او مانند رشد، هوش، یادگیری و ریاضیات و غیره مورد نظر نیست، بلکه رشد دانش آموز از تمام جهات و باتوجه به هدف‌های فردی و اجتماعی مورد نظر می‌باشد.

از جمله عوامل مؤثر در رشد کودک، معلم بویژه معلم کودکستان و سالهای اول دبستان است. معلم در واقع جانشین مادر است. کودک که از دامن خانواده جدا می‌شود و به آموزشگاه می‌رود، معلم را در نقش مادر می‌بیند و همان نگرشی را که نسبت به مادر دارد به او انتقال می دهد. چنانچه معلم نقش خود را خوب ایفاء کند، نقش مادر دوم را در زندگی کودک دارد و در رشد و سلامت او مؤثر واقع می‌شود.

معمولاً کودک نسبت به معلم نگرش مثبت و محبت دارد، زیرا نگرش خود نسبت به مادر را، به او تعمیم می‌دهد. ولی گاهی بعضی از عوامل موجب می‌شود که کودک از معلم و آموزشگاه گریزان شود و این عوامل به معلم و طرز رفتار اوؤ نگرش او نسبت به دانش آموز، محیط آموزشگاه، نگرش پدر و مادر نسبت به معلم و بالاخره به هوش، استعداد و شخصیت خود کودک بستگی دارد. اغلب دیده شده است که دانش آموزان باهوش و قوی

ProjehCenter.ir

معلم را موجودی مهربان و دوست داشتنی می‌دانند و دانش آموزان ضعیف او را موجودی نامهربان و بی توجه می‌دانند.

هدف‌های آموزش ممکن است کوتاه مدت یا دراز مدت باشد، در هر حال معلم برای نیل به این هدفها با در نظر گرفتن خصوصیات فرد فرد دانش آموزان، نگرش آنها، ارزش‌ها، میزان استعداد آنها و سازگاری آنها با محیط به طرح برنامهٔ آموزشی مناسب بپردازد.

عشق به یادگیری و کنجکاوی یکی از خصوصیات طبیعی بشر است و در واقع این دانش آموز است که مطالب را فرا می‌گیرد. نقش معلم تنها هدایت و راهنمایی، ایجاد موقعیت‌های مناسب برای کسب تجارب لازم، برانگیختن و تشویق و بطور کلی تسهیل مراحل یادگیری در جهت رشد و ناسازگاری دانش آموز با محیط و ایجاد تغییرات رفتاری لازم در او می‌باشد.

آموزش صحیح و درست به دانش آموز این توانایی را می‌دهد که هنگام برخورد با مسائل و مشکلات تازه درک صحیح داشته باشد و راه‌حل مناسب را بیابد. به همین دلیل دیگر امروزه به امور دور از ذهن و انتزاعی و مسائلی دور از زندگی روزمره چندان توجه نمی‌شود، بلکه کوشش برآن است که در تمرین‌هایی که داده می‌شود از امور روزمرهٔ زندگی بیشتر استفاده شود تا دانش آموزان با امور واقعی آشنا گردند.

هدف از تعلیم و تربیت آن است که هر فرد دانش آموز را تعلیم دهند چون هر فرد به سهم خود حقوق خاصی دارد و باید این امکان را داشته باشد تا استعداد و لیاقت خود را پرورش دهد و شخصیت او مهم شمرده شود.

ProjehCenter.ir

بنابراین مدارس و سایر مراکز آموزشی مسئولیت دارند که به هردانش آموزی دربارهٔ وضع اجتماعی خود چیزهایی یاد بدهند و آنها از طرز زندگی در مدرسه یاد بگیرند که چگونه باید در زندگی اجتماعی رفتار کنند و برای زندگی فردی و اجتماعی خود برنامهٔ صحیح و منظمی داشته باشند.

معلم در آموزش و پرورش راهبری است که با مساعی خود محیطی بوجود می‌آورد که در آن محیط شاگرد موقعیتی برای یادگیری مطالب نو و تصحیح و تکمیل آموخته های اشتباه و ناقص خود پیدا کند. بدین ترتیب شرایط ایجاد شده بوسیله مدرسه که معلم بهساز آن شرایط است، موجب می‌گردد که فرد دانش آموز خود را برای زندگی فردا و حل مشکلات ناشی از زندگی جمعی آماده سازد. پس معلم به مثابه هماهنگ کنندهٔ ارتباطات در میان شاگردان، هدف اجتماعی آموزش و پرورش را که تربیت انسان اجتماعی است، در چهار دیواری کلاس برآورده نموده و ارتباط بین مدرسه و جامعه را بر قرار می‌سازد.

در بعضی از کشورها کمبود معلم موجب شده که عده ای بدون صلاحیت را وارد جرگهٔ معلمی سازند که این امر موجبات تنزل کارآیی تعلیم و تربیت را فراهم نموده و متعاقب این امر دستمزد معلم نسبت به سایر مشاغل کاهش یافته و در نقش معلم خدشه بوجود آورده است. ولی نظر به اینکه آموزش و پرورش در هر صورت یک نیاز اجتماعی است و از طرفی با پیشرفت‌های تکنولوژی نیاز به امر تعلیم و تربیت بیش از پیش افزایش می‌یابد، لذا با وجود تزلزل‌های قبلی پایگاه معلم، نمی توان نقش او را کم اثر دانست.

ProjehCenter.ir

ویژگی‌های یک معلم :

وضع اخلاقی و اهلیت و شایستگی معلم در قرون وسطی مورد توجه نبود، ولی امروزه در کشورهای پیشرفته به نقش پرورشی مربی اهمیت فراوان می‌دهند.

از نخستین خصوصیاتی که یک مربی باید برای اشتغال به تدریس و پرورش اطفال و جوانان واجد باشد، خویشتن شناسی است که خود مقدمه ای برای شناسایی دانش آموزان و محیط کلاس است. همانطوری که یک روانکاو تا زمانی که از لحاظ روانکاوی مورد تحلیل واقع نگردد، نمی‌تواند دست به درمان بیماران روانی بزند، همانطور، یک مربی تا مادامی که به شناسایی خویشتن نپردازد، نمی‌تواند در زندگی و غفلت از احوال و اعمال به خود توجه کند. مربی باید خود را بشناسد، بداند که کیست و چه می‌خواهد و چرا زندگی می‌کند؟ با هر عمل نفوذی به راهی و با هر گفته به طرفی متمایل نگردد، با معرفت به احوال خویش، شخصیتی بدست آورد که هر لحظه، به قیافه‌ای در نیاید و هر زمان به راهی نرود.

بنابراین خصلت شناسی معلم را آنطور که هست به خودش می‌شناساند، سپس راه شناسایی دیگران و اجتماع را برایش سهل و روشن می‌سازد. معلمی مسئولیتی بسیار خطیر و سنگین و دشوار است، مشروط براینکه به ارزش تأثیراتی که بر روی اطفال و نوجوانان می‌گذارد، آگاه باشد و بداند که دیگران از او درس می‌گیرند. و معلمی که خود را بشناسد شاگردان خود را بهتر و عمیق‌تر خواهد شناخت و مؤثرتر و عمیق‌تر خدمت خواهد کرد.

ProjehCenter.ir

بعضی از افراد گویا ذاتاً معلم آفریده شده اند و بدون دیدن هیچ گونه آموزش ویژه‌ای در کار تدریس موفق هستند. برعکس افرادی هم هستند که حتی با دیدن دوره‌های کارآموزی هم در کار تدریس موفقیتی ندارند. ولی بطور کلی می‌توان گفت بیشتر افراد با کارآموزی صحیح و آشنایی با اصول روانشناسی و تربیتی می‌توانند در کار معلمی افراد موفقی باشند.

در مورد این پرسش که معلم خوب و موفق چه کسی است نمی‌توان پاسخ قاطعی داد زیرا این امر کاملاً بستگی به فرهنگ و ارزش‌های یک ملت دارد و قبل از اینکه در مورد خوبی‌ها و یا بدی‌های معلم قضاوت شود باید معیارهایی تعیین گردد تا برحسب آن معیارها معلم ارزشیابی شود و این معیارها باید به هدفهای آموزشی بستگی تام داشته باشد.

هرچند مشخصات یک معلم خوب و موفق در موقعیت ها و محیط های مختلف متفاوت است با این حال معلم‌ها بطور کلی خصوصیات مشترکی دارند که عبارتند از :

ـ علاقه به تدریس : به این معنی که معلم باید به تدریس بطور اعم و به تدریس موضوع خاصی که مورد تدریس اوست بطور اخص علاقه داشته باشد.

ـ ثبات عاطفی و روانی : معلم به عنوان یک رهبر و الگوی رفتاری باید در افکار و اعمالش ثبات داشته باشد و تحت تأثیر عواطف و هیجاناتش تصمیم گیری نکند، بطوری که دانش آموزان بتوانند از این نظر به او اطمینان داشته باشند.

ـ ادامه به یادگیری : معلم کسی است که همیشه احساس نیاز به یادگیری و فراگیری مطالب تازه و ادامه به مطالعه داشته باشد و مطالعات خود را پس از کسب مدرک تحصیلی متوقف نکند.

ProjehCenter.ir

ـ مهربانی و همدردی با دانش آموزان : معلم باید رفتارش به طریقی باشد که دانش آموزان بتوانند آزادانه ناراحتی‌ها و مشکلات خود را با او در میان بگذارند و اطمینان داشته باشند که به مناسبت اشتباهاتی که کرده اند مورد انتقاد و بی مهری واقع نخواهند شد.

ـ روحیهٔ همکاری : یک معلم خوب همیشه آماده همکاری با دیگر معلمان است، خصوصاً اگر احساس کند که وجودش دراین همکاری مؤثر و لازم است.

ـ صبر و بردباری : یکی از خصوصیاتی که واقعاً یک معلم باید از آن برخوردار باشد، بردباری است. زیرا اصولاً معلم با کودکان و نوجوانان سر و کار دارد و این افراد به مناسبت کمی تجربه گاهی اوقات رفتاری از خود بروز می‌دهند که چنانچه معلم در برابر آنها بردباری کافی نداشته باشد، موجب ناراحتی خواهد شد.

ـ رعایت انصاف در ارزشیابی‌ها : دانش آموزان به اظهارنظر معلم در مورد خودشان خیلی اهمیت می‌دهند و چنانچه ارزشیابی معلم از روی بی‌نظری و رعایت انصاف صورت گیرد، دانش آموزان نیز احساس کنند که معلم نظر خاصی نسبت به هیچ یک از آنها ندارد، برای این ارزشیابی‌ها ارزش قائل می‌شوند و در رفع نواقص و نقاط ضعف خود می‌کوشند. علاوه براین چنانچه ارزشیابی عادلانه نباشد، موجب کینه و عناد و در نتیجه دوری گزیدن برخی از دانش آموزان از معلم می‌شود و می‌دانیم که این حالات عاطفی بعداً ثمرات بدی به دنبال خواهد داشت.

ـ آشنایی با اصول روانشناسی : معلم باید علاوه برداشتن تخصص در زمینه‌ای خاص که تدریس می‌نماید، با اصول کلی روانشناسی نیز آشنایی داشته باشد. زیرا عدم آشنایی با

ProjehCenter.ir

روانشناسی گاهی باعث می‌شود که رفتار دانش آموز به غلط تعبیر گردد و در نتیجه کدورت و جدایی ایجاد شود. چنانچه معلم با قوانین رشد، یادگیری، خصوصیات سنی گروههای مختلف، روانشناسی دختر و پسر و ... آشنا باشد، خیلی از مسائل و مشکلات را می‌تواند به آسانی توجیه کند و راه‌حل آنها را پیدا کند.

ـ قدرت بیان : قدرت بیان و خوش صحبتی یکی از عواملی است که در ایجاد رابطه با افراد فوق‌العاده مؤثر است و معلم که علاوه برایجاد رابطه با دانش آموزان باید مطلب درسی را به آنها تفهیم کند، حتماً باید از این نیرو برخوردار باشد. بسیاری از افراد باسواد و مطلع هستند ولی در اظهار مطالب و تفهیم آن به دیگران ناتوانند. چنین افرادی به ندرت در کار معلمی و آموزش می توانند موفق باشند.

ـ ارزشیابی از کار خود : یک معلم خوب کسی است که مرتب از کاری که می‌کند ارزشیابی به عمل آورد. یعنی باتوجه به هدف‌های آموزشی و رفتاری که در آغاز و شروع هر کلاس در نظر دارد، باید ببیند که تا چه حد این هدف‌ها برای او حاصل شده است و تا چه حد توانسته است در دانش آموزان نفوذ کند و مورد تأیید آنها واقع شود.

ـ آراستگی ظاهر : معلمی که در برابر دانش آموزان کلاس ظاهر می‌شود و ناچار است روزی چندین ساعت با آنها سر و کار داشته باشد، باید از نظر سر و وضع ظاهر کاملاً آراسته باشد. البته این آراسته بودن به آن معنی نیست که همیشه لباس آخرین مد به تن داشته باشد و هر روز ساعت ها وقت صرف خودآرایی نماید، بلکه باید آرایش و پوشش او با

ProjehCenter.ir

محل و محیطی که در آن تدریس می‌کند متناسب باشد و رعایت پاکیزگی و انضباط و غیره را بنماید.

معلم خوب باید تمام خصوصیاتی را که ذکر شد به اضافهٔ بسیاری دیگر از مشخصاتی که برای یک معلم شایسته و ضروری است، دارا باشد. ولی با وجود تمام خصوصیات باید متذکر شد که یک معلم نمی‌تواند در تمام دانش آموزان و برای تدریس تمام موضوع‌ها و در شرایط مختلف به خوبی مؤثر باشد، بلکه موفقیت او نسبت به موقعیت‌های متفاوت و گروه‌های سنی مختلف دانش آموزان و بالاخره در شرایط مختلف متفاوت خواهد بود.

شخصیت و تعادل روانی معلم :

شخصیت و تعادل روانی معلم بیش از سایر طبقات اجتماع مورد نظر و با اهمیت است. زیرا معلم به عنوان یک عامل شرطی کننده می‌تواند در دانش آموزان واکنش‌های مثبت و سازنده و یا واکنش‌های منفی ایجاد کند. تماس نزدیک معلم با دانش آموزان و نفوذی که برآنها دارد نقش مهمی در سلامت فکری و روانی آنها ایفاء می کند. این تأثیر و نفوذ رفتار معلم در دانش آموز ممکن است بطور مستقیم و یا غیرمستقیم صورت پذیرد و به صورتهای گوناگون مانند تقلید و الگوسازی و گاهی اوقات همانند سازی بروز کند.

نظر به اینکه شخصیت دانش آموزان هنوز شکل نگرفته است، اثر پذیرتر هستند و عدم تعادل روانی معلم اثرهای بدی در آنها خواهد داشت. به این علت است که سلامت روانی معلم باید فوق‌العاده مورد نظر اولیای آموزش و پرورش قرار گیرد و در انتخاب معلمان دقت بیشتری به عمل آید. پدر و مادر و افراد خانواده اولین کسانی هستند که کودک را تحت

ProjehCenter.ir

تأثیر قرار می‌دهند و معلم و آموزشگاه در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند. دانش آموزان نه تنها مطالبی را که مستقیماً از طرف معلم گفته می‌شود می‌آموزند، بلکه رفتار، حرکات، نگرش‌ها، مهارت‌ها و خلاصهٔ کل شخصیت معلم در آنها اثر می‌گذرد.

معلمان عامل مهمی برای عملی کردن هدف‌های معین و مشخص زندگی بشمار می‌روند. از این لحاظ است که باید در رشتهٔ تعلیم و تربیت همواره افراد لایق و شایسته جامعه که شخصیت بارز و ممتازی دارند استفاده نمود. بدیهی است علاوه بر داشتن صفات و ملکات اخلاقی، تجربیات و معلومات آنها نیز در رشته‌های تدریس خود مؤید پیشرفت و ترقی جامعه خواهد گردید.

هر معلم باید عشق و علاقهٔ مخصوصی به امر تربیت داشته و کودکان و نوجوانان را از نظر تأمین سعادت و آیندهٔ درخشان آنها دوست بدارد و در حقیقت شیفته و عاشق فعالیت و شغل خود باشد.

امر تدریس و معلمی هنری است بس مشکل و برای اینکه وظیفهٔ خطیر و مسئولیت مهم اجتماعی را بتوان بخوبی انجام داد، هر معلم باید در رشتهٔ خود استاد و متبحر باشد، بنابراین یک مربی واقعی می‌باید تمام عمر خود را صرف تکمیل معلومات و تجربیات خود کند تا با زمان و مقتضیات عصر، ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی خود را از نظر تأمین سعادت اجتماعی به موقع عمل در آورد.

با داشتن یک فلسفه زندگی و تعلیم و تربیت صحیح، اوضاع و احوال اجتماع، تغییر پیدا کرده، موجب خواهد شد که بتوانیم بهتر به مسئولیت و وظایف سنگین خود پی برده و

ProjehCenter.ir

تعلیم و تربیت را مطابق زمان، روحیات و احتیاجات هر فرد قرار دهیم تا از این راه قدم‌های مؤثری به منظور پیشرفت و ترقی جامعه برداریم.

فهرست منابع :

۱ـ عسکریان، مصطفی، «جامعه شناسی آموزش و پرورش».

۲ـ مقدم، بدری، «کاربرد روانشناسی آموزشگاه».

۳ـ خمارلو (میرهادی)، توران، «جستجو در راهها و روش‌های تربیت».

۴ـ شریعتمداری، علی، «اصول تعلیم و تربیت».

۵ـ راوندی، مرتضی، «سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا».

ProjehCenter.ir